گزارش کپسولی

کارگردانِ سیاستمدار

اصغر فرهادی می‌گوید «همه می‌دانند» را ببینید، روابط عمومی فیلم به جام‌جم می‌گوید بیانیه منع دانلودشان همچنان به نوعی پابرجاست

در چند روز گذشته، دو بار در صفحات هنر و سینما به طور مفصل درباره حاشیه‌های انتشار نسخه غیررسمی فیلم «همه می‌دانند» اصغر فرهادی نوشتیم.

نخست علی رستگار از این نوشت که به هر حال قرار نیست این فیلم در ایران به طور رسمی اکران یا توزیع شود و بنابراین مخاطبان داخل کشور ناگزیر از دانلود و تماشای همین نسخه غیررسمی هستند. گزارش بعدی را هم صابر محمدی نوشت وقتی که رضا کیانیان نامه‌ای برای فرهادی فرستاد و طی آن از این‌که نسخه غیرقانونی را تماشا کرده عذرخواهی کرد. این دو گزارش ناظر بر بیانیه‌ای بود که روابط عمومی فیلم منتشر کرده و از مردم خواسته بود این نسخه را تماشا نکنند.

حالا اتفاق تازه‌ای افتاده و اصغر فرهادی که با خبرنگار روزنامه شرق گفت‌وگو کرده، خبر داده نه‌تنها از این‌که مردم نسخه غیررسمی را دانلود کرده و دیده‌اند ناراحت نیست، بلکه

خوشحال هم هست.

او حالا درباره تناقض پیش آمده بین بیانیه روابط عمومی فیلمش با اظهارات خودش توضیح داده که در آن بیانیه، این تهیه‌کننده‌های فیلم بوده‌اند که خواسته‌اند مردم فیلم را دانلود نکنند در حالی که اصغر فرهادی به عنوان سازنده فیلم چنین نظری نداشته است.

با این حال اما این سوال پیش می‌آید که چرا از همان روزی که نسخه غیررسمی لو رفت، فرهادی حساب خودش را از تهیه‌کننده‌اش جدا نکرد و در این چند روز به کسانی که این نسخه را دیده‌اند عذاب وجدان داد. به نظر می‌رسد این تاخیر در آزادسازی حق تماشای فیلم در داخل ایران، به این دلیل بوده که فرهادی منتظر مانده واکنش‌ها به انتشار نسخه غیررسمی را بسنجد و بعد حرفش را بزند در حالی که از همان اول می‌شد همین کار را کرد و این مساله‌ای را که تا به این حد بدیهی است که در ایران، طور دیگری نمی‌شد این فیلم را داد، پیچیده نکند.

یکی از فرازهای گفت‌وگوی او نشان می‌دهد که او منتظر واکنش‌ها بوده تا بعد این حرف‌ها را بزند.

ادامه در صفحه ۱۰

گفت‌وگو با علی ملاقلی‌پور، سازنده مستند «راه طی شده» درباره بازرگان، نهضت آزادی و منافقین

ما طرفدار «آقای خمینی» هستیم

عکس: جاوش هماوندی | جام‌جم

محمدصادق علیزاده

فرهنگ و هنر

علی ملاقلی‌پور، فرزند رسول ملاقلی‌پور را خیلی‌ها با کار عجیبی می‌شناسند که در شهریور ۱۳۹۴ در مسابقه فوتبال میان ستارگان ایران و جهان کرد. ملاقلی‌پور در اعتراض به نحوه اکران فیلمش، با پیراهنی که نام فیلمش «قندون جهیزیه» روی آن درج شده بود به میان زمین مسابقه دوید تا با این حرکت جلوی دوربین‌ها به نحوه اکران فیلمش در برابر دوربین‌های تلویزیونی اعتراض کرده باشد. ملاقلی‌پور حالا بعد از سه سال دوباره به تیتر رسانه‌ها برگشته. این بار نه خبری از مسابقه فوتبال است و نه کارهای عجیب و غریبش. بحث از یك مستند سیاسی راجع به مهندس بازرگان است که حرف و حدیث‌های زیادی درباره آن ایجاد شده. ملاقلی‌پور عصر یکشنبه هفته جاری هم در ادامه بحث‌هایی که درباره «راه طی شده» صورت گرفته در دانشگاه شریف حاضر شده و با معتمدی، نماینده نهضت آزادی به مناظره نشسته بود. مناظره‌ای که به تعبیر خودش با بی‌اخلاقی همراه بود. ملاقلی‌پور جوان معتقد است نهضت آزادی نمی‌خواهد نقدها درباره خودش را بپذیرد. به اعتقاد او نهضت آزادی تصویر مقدسی از مهندس بازرگان درست کرده و نمی‌خواهد خدشه‌ای به این تصویر مقدس وارد شود. ملاقلی‌پور معتقد است یکی از دلایلی که امروز نهضت آزادی دیگر در میان جریان‌های سیاسی جایگاهی ندارد، این است که روی نظرات قدیمی مهندس بازرگان مانده. گفت‌وگوی ما با فرزند پرحرارت رسول ملاقلی‌پور را در یك صبح پاییزی در ادامه بخوانید.

تصور من تا پیش از دیدن مستند از ملاقلی‌پور، یك جوانِ همیشه منتقد و معترض است که به وضعیت فعلی‌اش نقد و اعتراض دارد، اما انگار نمی‌داند دنبال چیست. این موضوع در مستند هم خودش را نشان داده. عده‌ای می‌گویند بخش زیادی از نقدهایی که به مستند شده به این علت است که تو به جای روایت واقعیت، شعار داده‌ای و موضع گرفته‌ای و علنا به یك طرف دعوا تبدیل شده‌ای؟ البته این را هم بگویم که این ایراد در یك سوم آخر فیلم کمتر است.

ببین! ما در این مستند داریم درباره شخصیتی حرف می‌زنیم که پروژه‌اش از آغاز این قرن شروع شده و تا ۱۳۶۶ که نامه امام منتشر می‌شود، جریان دارد. ما داریم راجع به این وضعیت و در این بازه زمانی حرف می‌زنیم. طبیعی است که در ابتدای کار، فکت‌های تاریخی کم باشد. منظورم از فکت، تصویر و فیلم و مصاحبه‌های خود مهندس بازرگان است. حتی روایت‌های بازرگان از دوران کودکی‌اش مربوط به دوران میانسالی اوست. این از این نظر که چرا در بخش‌های ابتدایی مواد کمتری استفاده شده. نکته دیگر هم این که تجربه مستندهای سیاسی اخیر یك موضوع را به ما فهماند. عمده انتقاداتی که بعدا می‌شود این است که چرا از مخالفان کمتر استفاده یا نظرشان تقطیع شده است. ادعا می‌کنند که چرا از خود ما نپرسیدید. تمام سوژه‌های مصاحبه ما قرار بود از اعضای نهضت آزادی باشند. سوالی که اینجا پیش می‌آمد این بود که وقتی قرار است این کار را بکنیم چگونه ادعاهای طرف دیگر بحث وارد فیلم شود. همین شد که احساس کردیم خودمان وارد شویم. اگر قرار بود اعضای موتلفه و اصولگرا از بازرگان حرف بزنند من حتما در این طرف و در جایگاه مدافع نهضت آزادی قرار می‌گرفتم که توازن حفظ شود اما وقتی قرار است آن طرف دوربین، اعضای نهضت آزادی باشند طبیعی است که برای حفظ توازن، من این طرف ماجرا باشم. البته این یك شروع است که نسل جوان با نسل قبل مواجهه می‌کند.

با این روایت بیگانه نیستم و آن را قبول دارم، ولی اینجا یك تفاوت ظریف وجود دارد. مثلا وقتی حسین بهزاد، به عنوان محقق و مستندنگار جنگ جلوی حسین همدانی می‌نشیند دقیقا موضع دارد و مبتنی بر حقایق دقیق تاریخی با او جلو می‌رود و بعضا از همدانی ایراد تاریخی هم می‌گیرد. آنجا وقتی آن اتفاق می‌افتد من آن را می‌پذیرم منتها تفاوتی که با کار تو دارد این‌که رفت و برگشت‌های تو با سوژه‌ات بیش از آن‌که متکی به مواد و متریال‌های تاریخی باشد، متکی بر موضعِ صرف است.

این مستند، یك مستند صرفا سیاسی نیست. مواجهه با یك روشنفکر دینی است که افکار سیاسی‌اش متاثر از افکار روشنفکری‌اش است. راه طی شده اول از همه می‌خواهد با بازرگان مواجهه فکری داشته باشد. در ایران چقدر فیلم راجع به جریان‌های فکری و تحلیلی تولید شده است؟ مثلا شریعتی یا فردید! همین فردید مصداق خوبی است. اگر بخواهی راجع به او حرف بزنی باید چه کنی؟! چه چیزی جلوی دوربین نشان دهی؟! ببینید کسی مثل شهید مطهری بروز و ظهور سیاسی داشته ولی راجع به کسانی که بروز و ظهور سیاسی نداشته‌اند باید چه کرد؟ این‌که می‌گوییم این مستند در ابتدای یك راه است به این معناست. بگذارید مثال بزنم. مهندس بازرگان در راه طی شده بحثی را در مورد وضو مطرح می‌کند. او بدون اشاره به روح عمل که در منابع دینی ما خیلی هم روی آن تاکید شده، عملِ وضو را نوعی مشابهت و یکسانی با عمل دست و رو شستن اروپایی‌ها می‌داند. خب من اگر بخواهم راجع به این بحث تئوریك کنم باید چه چیزی نشان دهم؟! مجبور می‌شوم پلان‌هایی بگیرم که کنار رودخانه نشسته‌ام و وضو می‌گیرم!

خیلی‌ها می‌گویند این بخش‌های کار از نظر فرمی در نیامده؛ قبول داری؟

این نظر آنهاست و ممکن است همین باشد. این بخش ماجرا قابل نقد است. تو عقیده داری خوب درنیامده اما کسانی بوده‌اند که خوش‌شان آمده. درباره این بحث البته ادعا و اصراری ندارم که حتما در آمده. راستش را بخواهی تا الان کسی راجع به این موارد صحبت نکرده. آنقدر حواشی سیاسی به کلیت کار غلبه کرده که نوبت به این چیزها نرسیده. فارغ از اینها، این‌که در آمده یا درنیامده یك بحث است، اما این‌که باید برای مفاهیم تا این حد انتزاعی، ما به ازای تصویری داشته باشیم یك امر بدیهی است.

خب این پلان‌ها را ضبط نمی‌کردی!

خسته‌کننده می‌شود! مخاطب یکهو با اثری مواجه می‌شود که راجع به جریان‌های فکری است و در تمام این اثر دو نفر نشسته‌اند و با هم حرف می‌زنند.

البته من نمی‌توانم قبول کنم تولید ما به ازای تصویری برای مفاهیم انتزاعی لزوما به این معناست که باید تصاویر و پلان‌های معناگرا برای آن تولید کرد.

همین الان اگر بخواهی راجع به نقدهای شهید مطهری بر مارکسیسم یك مستند تولید کنی چه می‌کنی؟

بعضی محتواها، مدیوم آن صرفا کتاب است و قابل انتقال به مدیوم دیگری نیست. بعضی مفاهیم فقط باید در قالب کتاب بمانند تا مخاطب با آنها مواجه شود نه این‌که بخواهیم آنها را به بند تصویر بکشیم و بعد دنبال این بیفتیم چه تدبیری برایش بیندیشیم که بتوانیم در قالب فیلم یا مستند حق آن مطلب را بیان کنیم.

من این را قبول ندارم. مثلا به اول انقلاب برگردیم. یکی از پرفروش‌ترین فیلم‌های آن زمان هامون بوده. موضوعش چیست؟ کسی که دغدغه دانایی دارد....

ادامه در صفحه ۱۲

بازرگان و سازمان مجاهدین

آنتی‌تز

منتقدان می‌گویند این مستند بیش از این‌که راجع به مرحوم بازرگان باشد راجع به سازمان مجاهدین است. شاید اگر اسم فیلم را چیز دیگری گذاشته بودی این حجم از مخالفت ایجاد نمی‌کرد!

فیلم به تولد سازمان مجاهدین می‌پردازد. راجع به یك تولد است. به همین دلیل هم اسمش «راه طی شده» است. تز و کتاب راه طی شده بیشتر روی چه کسانی تاثیر گذاشت؟! خروجی‌اش چه آدم‌هایی بود؟! انحراف مجاهدین از کجا آغاز شد؟ غیر از این است که این کتاب و دو سه کتاب دیگر از مهندس بازرگان به عنوان متون اولیه بنیانگذاران سازمان مجاهدین بود؟! البته مهندس کتاب دیگری هم دارد که نقطه مقابل این کتاب است و مثلا شهید مطهری هم آن را تایید کرده، اما مستند ما راجع به این دسته از آثار مرحوم بازرگان است که منظومه فکری مجاهدین را شکل داد. بعضی از جوانان نهضت آزادی، بارها و بارها این کتاب را خوانده و بشدت از آن تاثیر گرفته‌اند. خب خروجی این تاثیر چه بوده؟ ما احساس کردیم اینها سوالات جدی است که بهتر است ما خودمان وارد شویم و نقد کنیم. البته شبیه این مدل را هم داشته‌ایم که خود راوی مستند چالش ایجاد و انتقاد می‌کند و از مصاحبه‌شونده می‌خواهد پاسخگو باشد. مستند «دیه‌گو مارادونا» از امیل کاستاریکا با مارادونا همین کار را می‌کند.

امروز چی داریم؟

«راه طی شده» ملاقلی‌پور ستاره بازی با اسنپ

علی ملاقلی‌پور را می‌شناسید؟ فرزند کارگردان فقید سینما رسول ملاقلی پور، علی که چند سالی است در عرصه سینما مشغول فعالیت است و پیش از این هم فیلم سینمایی «قندون جهیزیه» از او اکران شده، این روزها مستند پرحاشیه‌ای را اکران کرده است. «راه طی شده» عنوان این مستند است که به زندگی مهندس بازرگان پرداخته است، عنوان هم ظاهرا از یکی از کتاب‌های زنده‌یاد بازرگان انتخاب شده و حالا روزهای جنجالی را می‌گذراند. همین هم باعث شد تا ما برویم سراغ فرزند آقارسول و با او به گپ و گفت بنشینیم و چای بنوشیم و فیلمش را نقد کنیم و درددل‌هایش را بشنویم. ملاقلی‌پور جوان در یک صبح پاییزی مهمان اتاق مصاحبه روزنامه جام‌جم شد و دبیر گروه فرهنگ و هنر محمدصادق علیزاده با او درباره این اثرش مفصل حرف زد. این گفت‌وگو را می‌توانید در همین صفحه و همین بغل و ادامه‌اش را هم در صفحه ۱۲ امروز بخوانید.

اسنپ این روزها شیوه تازه‌ای را برای تبلیغ پیش گرفته است. ماجرا از این قرار است که استفاده‌کنندگان از این اپلیکیشن حمل و نقل می‌توانند با دعوت دیگران برای پیوستن به آن و برخی اقدامات دیگر امتیاز خود را در این طرح تبلیغاتی بالا ببرند و با یکی از ستاره‌های سینما سفری یکساعته در تهران داشته باشند. حالا بماند که سفر یك ساعته در تهران یعنی حضور در ترافیك! آذر مهاجر که این روزها موضوعات پر سروصدایی را دنبال می‌کند و نمونه‌اش را در ماجرای حراجمعه بامیلو مشاهده کرده‌ایم، پایش را توی کفش اسنپ کرده تا ببیند ماجرا چیست و این طرح اصلا قرار است چه کند و دنبال چه چیزی است. این گزارش خواندنی را در صفحه ۱۰ امروز مطالعه کنید.

در سینماهای ایران می‌شود فیلم خارجی تماشا کرد. اما آیا ما ایرانی‌ها از این اتفاق استقبال می‌کنیم، آن هم در شرایطی که تبلیغی ندارند و شاید خیلی‌ها اصلا از اکران این فیلم‌ها خبردار هم نشوند. علی رستگار، خبرنگار سینمایی‌مان که تحلیل‌های همیشه خوبی هم از رویدادهای سینمایی دارد، سراغ این فیلم‌ها رفته و میزان فروش آنها در سینمای ایران و جهان را مقایسه کرده است. البته مسؤولان برگزاری این اکران‌ها اعلام کردند نمی‌توانند آماری از فروش ارائه دهند، به همین دلیل هم همکار ما رفت سراغ فروش بلیت‌های اینترنتی سینماها و با سالن‌های تقریبا خالی از تماشاگر روبه‌رو شد. این گزارش را در صفحه ۱۱ بخوانید و ببینید ماجرا از چه قرار است. حالا شاید شما هم دلتان خواست بعضی فیلم‌های مطرح جهان را روی پرده سینما ببینید و راهی شدید.